

جهانی شدن فرهنگ و بازاندیشی تعاملات جنسی (مورد مطالعه، جوانان شهر یزد)

مهناز فرهمند¹، ندا جواهرچیان²، لیدا هاتفی راد³

تاریخ دریافت: 1392/12/7 تاریخ پذیرش: 1393/2/1

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه جهانی شدن فرهنگ و میزان بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان پرداخته است. در چند دهه اخیر، جهانی شدن، تغییرات عمیقی در عناصر فرهنگی، سبک زندگی، تعاملات، ایده‌ها، آرمان‌ها و افکار افراد ایجاد کرده که نیازمند بررسی و تفحص است. با این هدف، مطالعه حاضر به روش پیمایش، با ابزار پرسش‌نامه بر مبنای نظریه اینگلهارت و برگر و گیدنز انجام شده است. تعداد 384 نفر از جوانان ساکن شهر یزد به روش خوشه‌ای انتخاب گردیدند که نمونه تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد. متغیر وابسته این پژوهش، بازاندیشی تعاملات جنسی در ابعاد تعاملات جنسی سنتی، دوستانه، آزاد، مجازی، و تغییرات تعاملاتی و متغیر مستقل جهانی شدن فرهنگ در سه بعد نگرش به جهانی شدن، گرایش به نوگرایی و ارزش‌های فرهنگی نو است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه‌ای مستقیم و معنادار بین دو متغیر جهانی شدن فرهنگ، و بازاندیشی تعاملات جنسی، وجود دارد که تأییدکننده فرضیه اصلی تحقیق حاضر است.

کلید واژه‌ها: جهانی شدن فرهنگ، بازاندیشی، تعاملات جنسی، دوستی، جوانان.

1- مقدمه

گستره وسیع جهان امروز، دگرگونی‌ها و تحولات را با آهنگی بی‌سابقه و روندی سریع نظاره‌گر است. در این شتاب بی‌کران، تغییرات بنیادی در نماهای فضایی و زمانی، مرززدایی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تعاملات عمیق و رها از پای‌بست‌های بومی، کاهش حاکمیت دولت - ملت، انفجار تجارت و سرمایه، مهاجرت‌های جهانی، بحران‌های محیطی و ... عرصه جهانی را با تغییرات و پیامدهایی بسیار مواجه ساخته است. انقلاب عظیم فناوری اطلاعاتی و ارتباطی نیز با تحقق بخشی به دهکده جهانی، بنیاد مالی و فکری جوامع را بدان گونه تغییر داده که هیچ‌گونه انزواگرایی و تأملی را بر نمی‌تابد. از این رو، در عصر حاضر، و بیش از هر عصری دیگر، انسان‌ها با منابع هویتی بی‌شماری مواجه‌اند که به دگرگونی در ابعاد

¹ - استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

² - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (مسئول مکاتبات) javaherchian.neda@yahoo.com

³ - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

هویت سنتی، پیدایش هویت‌های فرهنگی چندگانه، دگرگونی سامانه‌های ارزشی، تغییر شیوه مصرف و سبک زندگی و نوع ارتباطات و تعاملات افراد، منجر شده است (ادیبی و دیگران، 1387: 100). در واقع، این تغییرات منجر به نوعی بازاندیشی در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی گردیده است. آثار و تبعات فراگیر این فرایند، بسیاری از محققان، جامعه‌شناسان و فرهنگ‌پژوهان را بر آن داشته که به بسیاری از پرسش‌های این روند، از جمله میزان و نحوه تأثیرپذیری ارتباطات و تعاملات جنسی بپردازند. این پژوهش بر آن است تا رابطه میان یکی از تأثیرگذارترین ابعاد جهانی‌شدن، یعنی جهانی‌شدن فرهنگ و بازاندیشی در تعاملات جنسی را مورد سنجش قرار دهد.

2- بیان مسئله

جهانی‌شدن، مفهومی فراگیر است که برای توصیف درهم‌تنیدگی و به هم پیوستگی جامعه انسانی در مقیاس جهانی وضع شده است. دیوید هلد، آنتونی مک گرو و بسیاری از نظریه‌پردازان جهانی‌شدن، بر این واقعیت اتفاق نظر دارند که پدیده‌ی مزبور مجموعه‌ای از فرایندهایی است که سبب تغییر در روابط اجتماعی می‌شود (جونز¹، 2006: 11). در دهه‌های پایانی قرن بیستم و از آن‌جا که کنش‌های فرهنگی، پیامدها و آثاری جهانی به همراه دارند، در مطالعات مربوط به فرایند جهانی‌شدن، جایگاه فرهنگ اهمیت به‌سزایی یافته و نظریه‌های مرتبط با آن به‌عنوان یکی از وجوه منشور جهانی‌شدن آشکار می‌شود. تاملینسون معتقد است که دنیای مدرن، توسعه شبکه گسترده روابط و تعاملات اجتماعی را نشان می‌دهد که فرهنگ هسته مرکزی آن، و جهانی‌شدن فرهنگ، سریع‌ترین و گسترده‌ترین بُعد آن است (جونز، 2006: 55 و 56). جهانی‌شدن فرهنگ، معطوف به فرایند فرسایش و نفوذپذیری حد و مرزها و همگون‌ترشدن جهان به دلیل گسترش فزاینده عناصر فرهنگی معین است، که همان فرهنگ متجدد یا تمدن غربی است (فرانکو²، 2007: 3) در این فرایند و نظام معنایی آن در مقیاسی وسیع از فرهنگی به فرهنگ دیگر انتقال می‌یابد که در نتیجه ساختار و آرایش فضای فرهنگی جهان بسیار پیچیده‌تر می‌شود (قربانی‌شیخ‌نشین، 1382: 190). انتقال جهانی آگاهی‌ها، ارزش‌ها و هنجارها، موجب فرسایش مرزهای فرهنگی و شکل‌گیری فضای جدیدی می‌گردد که پایبندی به مؤلفه‌های هویت‌ساز فرهنگ ملی با گرایش‌های فراملی، جایگزین آن می‌شود که پیامدهایش، متأثر ساختن هویت‌های فرهنگی در مکان‌های بسیار دور است (ریپمن³، 2010: 9).

با جهانی‌شدن فرهنگ، ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای پایدار متعلق به یک یا چند فرهنگ رفته‌رفته به‌صورت شبکه واحدی از روابط اجتماعی درمی‌آید، و در نتیجه، روابط اجتماعی که در گذشته به زمان و

4. Jones

5. Franko

6. Ripsman

مکان خاصی مربوط می‌شد، با گذشتن از مرزها و محدودیت‌ها، ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند. فرهنگ جهانی که در این فضا متبلور می‌شود، فرهنگی متمایز از فرهنگ‌های خاص است که به هویت تاریخی تعلق ندارد و فرهنگی التقاطی، عام و بی‌زمان است. در واقع، جهانی‌شدن فرهنگ، موجب ظهور تغییرات بنیادین در نظام فرهنگی و روابط اجتماعی می‌شود (اون، 2007: 71). به‌طور کلی، جامعه فراملی یا فرهنگ جهانی، پیامد فرایند مدرنیته و نوگرایی به‌شمار می‌آید و یکی از ویژگی‌های اساسی این پدیده که پایه تحرک و پویایی آن به‌شمار می‌آید، بازاندیشی در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی است. بازاندیشی با تولید دائمی خودشناسی منظم ارتباط مستقیم دارد. در جامعه مدرن، انسان‌ها به‌طور دائم هویت‌شان را خلق و تصحیح می‌کنند و چستی و چگونگی دگردیسی‌شان را مدام مرور می‌نمایند. (گیدنز، 1387: 17). نوگرایی و جهانی‌شدن، با ایجاد فرصت‌های ارتباطی وسیع (از طریق رسانه‌های مختلف، به‌ویژه رسانه‌های دیجیتالی) بین فرهنگ‌ها، موجب تعاملات وسیع اجتماعی و فرهنگی بین جوامع گوناگون شده‌اند. این امر سبب گردیده تا مردم جوامع مختلف، از نوع زندگی اعضای جوامع دیگر آگاهی یافته، و از رفتار و اندیشه‌های آن‌ها، ایده‌های جدید دریافت نموده و زندگی خود را با آن‌ها مقایسه کنند. همین مسئله موجب گردیده که اعضای یک جامعه، الگوهای رفتاری متعددی را مشاهده کرده و از این میان، یکی یا ترکیبی از آن‌ها را که در برخی از موارد متناقض نیز می‌نمایند، انتخاب کنند. به بیان جامعه‌شناسانه، امروزه، گروه‌های مختلف مردم می‌توانند شیوه زندگی خود را تا حدودی آن‌چنان‌که می‌خواهند، برگزینند.

انتخاب و بازاندیشی در سبک‌های مختلف زندگی و ارتباطات اجتماعی، آن‌چنان‌که افراد یا گروه‌ها می‌خواهند، سبب گردیده تا پدیده‌هایی که پیش‌تر چندان بروز عینی و آشکاری نداشتند، امروزه به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شوند (خواجه نوری، 1391: 42). یکی از این پدیده‌ها، تعاملات جنسی به شیوه مدرن است. نیاز جنسی از دیرباز تاکنون یکی از مباحث مهم انسانی بوده و با درگیرکردن ذهن بشر در همه دوره‌های تاریخ، رفتار او را تحت‌تأثیر خود قرار می‌داده است. تفاوت نگرش‌ها نسبت به رفتار جنسی، ریشه در تفاوت‌های موجود در شناسه‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جوامع گوناگون دارد، اما نکته شایان توجه، دگرگونی نگرش به رابطه جنسی در سالیان اخیر است. جهانی‌شدن فراگیر و به‌نمایش‌کشیدن رفتارهای جنسی در رسانه‌های نمایشی و نوشتاری غرب، با تأثیر مستقیم بر رفتار مخاطبان آن‌ها و به‌ویژه جوانان و نوجوانان، همراه بوده است. هم‌سو با دیگر جوامع، دگرگونی ارزش‌ها و به‌دنبال آن ارزش‌های جنسی در جامعه ما، نکته‌ای پنهان نیست. تأثیر جهانی‌شدن به‌گونه‌ای عام، و تأثیر رسانه‌ها به‌گونه‌ای خاص، موجب شده تا به ارضاء نیازهای جنسی به‌گونه‌ای متفاوت از گذشته نگریسته شود (رجبلو، 1389: 76).

جامعه ما آگاهانه یا ناآگاهانه، متأثر از فضای جهانی‌شدن، فرهنگ و پارادایم متأثر از آن، جامعه‌ای متنوع، متکثر و چند فرهنگی است. میزان دگرگونی‌های نگرشی به مسائل جنسی در ایران، روشن نیست، اما نیاز جنسی همانند دیگر کشورها وجود دارد، و به‌دلیل جوان بودن جامعه و نیز افزایش سن ازدواج، بیش از پیش نمود یافته است.

فراگیر شدن الگوهای تازه تعاملات جنسی مانند دوستی دختر و پسر، برقراری دوستی هم‌زمان با چندین نفر، برقراری دوستی با جنس مخالف (حتی پس از ازدواج) و روابط نامتعارف مانند روابط جنسی مجازی در فضای اینترنت و گسترش روابط هم‌جنس‌گرایی با سطحی پیشرفته در میان زنان و مردان، نشان می‌دهد که روند بازانندیشی جوانان در رفتارهای جنسی، شتابی بسیار گرفته است (رجبلو و اصغری، 1389: 75). روابط دوستانه دختران و پسران بدون در نظر گرفتن ابعاد شرعی یا توجه اندک به آن، پدیده‌ای است که می‌توان عمومیت یافتن و حرکت به سوی هنجار شدن آن را با اندکی توجه و دقت نظر، در فضای عینی تعامل اجتماعی، مشاهده کرد (قاسمی، 1383: 83). بدین رو با توجه به روبه‌رشد بودن تأثیر جهانی شدن فرهنگ در بازانندیشی تعاملات جنسی و توجه اندک تحقیقات علمی و تخصصی به آن در کشور ایران و به خصوص در استان یزد، و همین‌طور افزایش تعاملات بین دو جنس و تغییر در شکل و محتوای آن، انجام مطالعه‌ای دقیق و علمی در زمینه مذکور ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر، تأثیر جهانی شدن فرهنگ در بازانندیشی تعاملات جنسی را مورد بررسی قرار دهد.

3- اهمیت و ضرورت

در جامعه جوان ایران، هر ساله تعداد زیادی از افراد به سن ازدواج می‌رسند، اما به دلایل مختلف و از جمله ادامه تحصیل و مشکلات اقتصادی، ازدواج آنان با تأخیر مواجه می‌شود، اما این‌ها باعث نمی‌شود که تمایل آن‌ها به جنس مخالف فروکش کند. آنچه امروزه دوستی دختر و پسر را در جامعه ایران به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل کرده، تعارض بین نگرش‌های مذهبی و سنتی از یک‌سو، و نگرش‌های جدید از سوی دیگر است. نگرش اولی، خواهان مرزبندی‌های جنسیتی و رعایت قواعد و مقررات مرتبط با تعاملات جنسی است و می‌کوشد روابط دو جنس را پیش از ازدواج محدود کند، اما نگرش دومی که حاصل تماس با فرهنگ‌های دیگر، به خصوص فرهنگ‌های غربی، غیر دینی و مانند آن‌هاست، این حساسیت‌ها را نشان نمی‌دهد. این نوع نگرش به‌طور معمول از طریق رسانه‌های جدید همچون، اینترنت، ماهواره، و ... به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، تبلیغ، اشاعه و تقویت می‌شود. این رسانه‌ها، بیش‌تر، ارزش‌های فرهنگی جامعه خود را رواج می‌دهند و به‌طور معمول، حساسیت چندانی در خصوص حدّ و مرزهای دوستی ندارند. اشاعه این رفتارهای اجتماعی می‌تواند به دگرگونی ارزشی در جامعه و رابطه پذیرفته شده بین دو جنس در جامعه ایران منجر شود، و نظام خانواده و ازدواج را تهدید کند (خواجه نوری و دل‌آور، 1391: 43).

همراه با فرایند جهانی شدن، زندگی اجتماعی افراد نیز در معرض بازانندیشی پیوسته قرار می‌گیرد. جوانان با توجه به ویژگی‌های سنی، کنجکاوی، تنوع‌خواهی و نوگرایی، بیشتر از دیگر گروه‌های جامعه در مسیر و روند جهانی شدن فرهنگی قرار می‌گیرند، و از آن‌جایی که ویژگی بازانندیشی در آن‌ها آشکارتر از گروه‌های دیگر است، آمادگی بیشتری دارند تا روند جهانی شدن را در بستر جامعه فراهم نموده و همگام با آن، زندگی اجتماعی خود را درکنش، گذران اوقات فراغت، گرایش، شیوه زندگی، الگوهای تعاملات جنسی و مانند آن در معرض بازانندیشی قرار دهند.

با توجه به ساختار جمعیتی جوان ایران، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که در مقایسه با دهه‌های گذشته، امروزه با یک دگرگونی فرهنگی در زمینه روابط دختران و پسران روبه‌رو هستیم، که به احتمال زیاد، از دید مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی پرورش‌یافته انقلاب، خوشایند نیست، و از آن با عنوان تأثیر جهانی شدن یا غربی‌شدن فرهنگ یاد می‌شود. بازاندیشی در تعاملات دوستی میان دختران و پسران، به لحاظ نظری، بخشی از فرایند نوگرایی است و خوشایند یا ناخوشایند شمردن این امر که به‌نوعی دگرگونی و گاهی گسست از سنت‌های ریشه‌دار ملی و دینی به‌شمار می‌آید، موضوعی است که نمی‌توان به‌سادگی درباره آن داوری یا جهت‌گیری نمود (رجبلو و اصغری، 1389: 88).

از آن‌جا که بازاندیشی در تعاملات جنسی جوانان باعث دگرگونی نگرشی، ارزشی و شخصیتی نمی‌شود و پیامدهای بسیاری در سطح فردی و اجتماعی برجای می‌گذارد، لازم است که این بازاندیشی و اثرهای آن به شیوه‌ای تخصصی و علمی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد، و با آشکار نمودن تأثیرات مزبور که جهانی‌شدن فرهنگ بر روابط میان دو جنس برجای می‌گذارد، آگاهی و شناخت لازم در اختیار جوانان قرار گیرد تا از آسیب‌هایی که این نوع از روابط می‌تواند به‌دنبال داشته باشد، پیشگیری شود. پیامدهای ناشی از این پدیده نه تنها روی خانواده، بلکه بر تمامی جامعه تأثیر می‌گذارد، و به همین دلیل، پرداختن به این معضل و بررسی عوامل فرهنگی موثر بر این ارتباطات و تلاش برای یافتن راه‌حل‌هایی در جهت کنترل این فرایند، می‌تواند بسیاری از مشکلاتی را که در آینده گریبان‌گیر نوجوانان و جوانان می‌شود، بکاهد.

در تحقیقاتی که تاکنون درباره این موضوع در ایران انجام شده، جای خالی پژوهشی عمیق با پشتوانه محکم نظری خالی به نظر می‌رسد، در واقع، به‌طور خاص، به تأثیر جهانی‌شدن فرهنگ بر تعاملات جنسی میان دختران و پسران، پرداخته نشده است. بررسی انجام شده پدیده‌ی مزبور در بافت جامعه یزد به عنوان الگویی جهت پژوهش سایر مناطق و استان‌ها انجام گرفته است.

4- پیشینه پژوهش

4-1. پیشینه داخلی

خواجه نوری و دل‌آور (1391)، پژوهشی با عنوان «عوامل موثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تاکید بر فرایند جهانی‌شدن»، انجام دادند. نتایج به‌دست آمده در سطح تحلیل‌های دو متغیر نشان داده که میزان استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و شیوه زندگی نوین بر گرایش جوانان به دوستی با جنس مخالف، تأثیر فراوانی دارد؛ همچنین، نتایج حاصل از تحلیل چند متغیره نشان‌دهنده آن است که فشار دوستان، میزان مذهبی بودن (به عنوان نوعی سبک زندگی)، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین، و در نهایت، فشار خانواده، در مجموع توانسته‌اند 36 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

رجبلو و اصغری (1389)، پژوهشی با عنوان «جهانی‌شدن و بازاندیشی الگوهای دوستی دختران و پسران، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران» انجام داده‌اند که فرضیه کلی پژوهش، وجود رابطه‌ای

معنادار میان جهانی شدن و بازاندیشی تعاملات جنسی جوانان دانشجوی ایرانی است. برای پذیرش آن، چهار فرضیه فرعی فردی شدن تعاملات جنسی، پذیرش الگوهای تازه، سطح روابط جنسی و داشتن تجربه‌های گوناگون دوستی با جنس مخالف، مورد آزمون قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش بر پایه ضریب هم‌بستگی پیرسون نشان می‌دهد میان جهانی شدن (به‌طور عمده رسانه‌های نمایشی) و تعاملات جنسی دانشجویان، رابطه وجود دارد.

موحد و عباسی (1385) در تحقیقی که با عنوان «بررسی رابطه جامعه‌پذیری نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج» انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های دینی، نگرش دوستان و خانواده، روی روابط بین دخترها و پسرها پیش از ازدواج بیشترین اثر را داشته و توانسته بیش از 60 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند.

حجازی و فرتاش (1385)، پژوهشی با عنوان «تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی» به انجام رساندند، که نتایج حاصله از آن نشان داد دختران در استفاده از سبک هویت اطلاعاتی بر پسران پیشی می‌گیرند؛ لیکن دختران و پسران در استفاده از سبک هویت هنجاری و سبک هویت مغشوش اجتنابی و تعهد هویت، تفاوت معناداری نشان ندادند؛ همچنین در ارتباط با مؤلفه‌های کیفیت دوستی، دختران به‌صورت معناداری در صمیمیت و افشای خود و تقابل دوستی بر پسران، برتری دارند. در مؤلفه‌های مجاورت و وفاداری و اعتماد، تفاوت معناداری بین دو جنس مشاهده نشد.

موحد و عنایت و عباسی شوازی (1385)، پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج» به انجام رساندند، که یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد 25/6 درصد از دانشجویان، دارای نگرشی مثبت، 50/8 درصد نگرشی میانه و 23/6 درصد دارای نگرشی منفی به این‌گونه معاشرت‌ها بوده‌اند. این در حالی است که نگرش خانواده‌ها منفی‌تر از نگرش دانشجویان بوده و زنان، نگرشی بسیار منفی‌تر نسبت به مردان به این‌گونه معاشرت‌ها داشته‌اند. به‌طورکلی، نتایج این مطالعه نشان داد که متغیرهای مربوط به فرض جامعه‌پذیری - که بیشتر فرهنگی بودند - تأثیر بیشتری بر نگرش دانشجویان داشتند تا متغیرهای مربوط به فرض کمیابی.

2-4. پیشینه خارجی

ویتی (2008) در مقاله‌ای با عنوان «تجربه، روابط عاشقانه، روابط جنسی و دوستی در اینترنت»، نشان می‌دهد که فضای مجازی، محیط منحصر به فردی را برای افراد به‌منظور یادگیری و تجربه در مورد روابط و تمایلات جنسی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد؛ وی به بررسی خصوصیات افراد (شخصی، فیزیکی و جذابیت) مقدار زمان مصرف‌شده در دوستی‌های آنلاین، طول مدت ارتباط، و تأثیرگذاری این ارتباط‌ها بر فعالیت‌های آنلاین افراد نیز می‌پردازد.

بریج (2008) در مطالعه خود با عنوان «چگونه اینترنت می‌تواند دوستی را گسترش دهد؟»، نشان می‌دهد که مقدار مکاتبات نوشته‌شده در فضای مجازی، باعث عمیق‌تر شدن دوستی و دقیق‌تر شدن در خود و شخصیت دوستان اینترنتی می‌شود، و به همین دلیل، اینترنت باعث ترویج دوستی‌های قوی‌تر می‌گردد. روستوسکی و دیگران (2004)، به بررسی تأثیر دینداری بر رفتار جنسی نوجوانان در قالب مطالعات طولی میان سال‌های 1980 تا 2001 پرداخته‌اند. نتایج حاصله، گویای این است که دینداری، ظهور اولین عرض‌اندام جنسی را به تعویق انداخته، و در میان افرادی که از نمره دینداری بالاتری برخوردارند، روابط جنسی زود هنگام، کمتر مشاهده شده است.

کورنول و لاندگرن (2007) در مقاله‌ای با عنوان «عشق در اینترنت»، به بررسی مقایسه گزارش روابط عاشقانه از اعضای اتاق‌گفتمان در فضای مجازی، و ارتباط چهره‌به‌چهره در روابط روزمره پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که تعهد و جدیت در فضای مجازی، کمتر از فضای واقعی است و تمایل به بالاتر نشان‌دادن ویژگی‌های فیزیکی و سن در فضای مجازی، بیشتر از فضای واقعی است.

5- مبانی نظری

در این بخش، ابتدا مفاهیم جهانی‌شدن فرهنگی و بازاندیشی به‌عنوان متغیرهای مستقل و وابسته این تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد، سپس چارچوب نظری تدوین می‌گردد.

جهانی‌شدن فرهنگ

"جهانی‌شدن فرهنگ"، جزء اصلی و جدایی‌ناپذیر فرایند جهانی‌شدن است، و عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی (گل محمدی، 1386: 98)، که نوعی فرایند و تحوّل دیالکتیکی را سبب می‌شود و با فروریزی فزاینده مرزهای سیاسی و فرهنگی و ادغام روزافزون جوامع در جامعه‌ای جهانی، بسترها و امکان‌های فراوانی برای هم‌زیستی، تبادل، آمیزش و تعالی فرهنگی و همچنین خاص‌گرایی‌های گوناگون فرهنگی، ایجاد می‌کند (گل محمدی، 1386: 121). برجسته‌ترین وجه جهانی‌شدن فرهنگ را می‌توان جهان‌گیر شدن ویژگی‌های محوری مدرنیته دانست. این ویژگی‌ها عبارتند از یک رشته نهادها و شیوه‌های رفتاری و هنجاری که در پی فروپاشی نظام فئودالی دراروپای غربی شکل گرفت، و به تدریج در نقاط دیگری در جهان از جمله آمریکا، ژاپن و اقیانوسیه نیز راه یافت. در نیمه دوم سده بیستم، به واسطه پیشرفت‌های چشم‌گیر در عرصه ارتباطات، این فرایند با شتاب بیشتری نواحی دیگری از دنیا را فرا گرفت (گل محمدی، 1386: 99). از جمله این اندیشه‌ها، نهادها و شیوه‌های رفتاری مبتنی بر مدرنیته غربی، می‌توان به صنعت‌گرایی، سرمایه‌گرایی، نهادهای نظارت و مراقبت، دولت - ملت، دموکراسی، فردگرایی، شهروندی، ملی‌گرایی، عقلانیت ابزاری، الگوهای پوشش، تغذیه، معماری و زندگی شهری، یک رشته ارزش‌ها و رهیافت‌های فرهنگی درباره آزادی فردی، روابط جنسی، حقوق بشر و سکولاریسم، اشاره کرد (تاملینسون، 1381: 123). با جهانی‌شدن فرهنگ، برخی مفاهیم، ایده‌ها و ارزش‌های فرهنگی به مفاهیمی فراج جهانی و همه‌گیر مبدل شده، و از مرزهای یک کشور یا یک تمدن، به ملل و

کشورهای دیگر راه یافته و در فضایی مدرن، به شکلی حاکم بر روابط بین‌المللی گردیده است. درکنار تغییر و تحولات اجزاء و عناصر ذهنی و ارزش‌ها و ایده‌های فرهنگ‌ها، برخی محصولات و عناصر مادی - مصرفی نیز چون نحوه‌ی لباس پوشیدن، آرایش، سبک موسیقی، فیلم‌ها، غذاها و برخی هنجارها و معیارهای رفتاری، به عناصری عام و جهانی مبدل شده‌اند. رونالد اینگلهارت در بررسی تغییرات ارزش‌ها و هنجارهای جهانی به دنبال فهم چگونگی و چرایی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع است. وی درباره‌ی تغییر فرهنگ‌ها بر این باور است که هر فرهنگ، رهیافت مردم را در تطابق با محیط‌شان نشان می‌دهد، و این رهیافت در بلندمدت، دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژی را تبیین می‌کند. جهان‌بینی مردم تنها به آنچه بزرگترانشان به آن‌ها می‌آموزند، بستگی ندارد، بلکه با تجارب کلی زندگی‌شان شکل می‌گیرد، که گاهی، عمیقاً با تجارب نسل‌های گذشته، متفاوت است (اینگلهارت، 1383). هرچند اینگلهارت بر تأثیر تغییرات تکنولوژیک و اقتصادی در تغییرات نگرشی و ارزشی جوامع (به‌ویژه غربی) تأکید بیشتری می‌کند، اما از نقش عامل دیگری نیز سخن به میان می‌آورد، که خود آن را میراث فرهنگی و اجتماعی جوامع می‌نامد (اینگلهارت و بیکر، 2001: 19-20). وی به دو گروه با ارزش‌های مادی‌گرایانه و فرامادی‌گرایانه در روند تغییرات فرهنگ جهانی اشاره دارد.

از نظر اینگلهارت، دوره‌های رونق اقتصادی به افزایش ارزش‌های فرهنگی فرامادی‌گرایانه، و دوره‌های کمیابی (رکود اقتصادی) به ارزش‌های مادی‌گرایانه می‌انجامد. ارزش‌های فرامادی‌گرایانه، نوعی احساس امنیت ذهنی فرد را منعکس می‌کند و، متأثر از زمینه فرهنگی و رفاه اجتماعی نهادهایی است که فرد در آن بزرگ شده و رشد نموده است (اینگلهارت 1383). بنابر تعبیر اینگلهارت، فرامادیون کسانی هستند که در دوران شکل‌گیری شخصیت‌شان (پیش از بلوغ)، دارای امنیت سازنده یعنی امنیت اقتصادی و جانی بوده‌اند. این افراد، کسانی هستند که اولویت‌های ارزشی‌شان فرامادی‌گرایانه است؛ زیرا از امنیت مادی و جانی برخوردارند و در نتیجه نیازهای دیگری برای آن‌ها مطرح می‌شود؛ نیازهایی چون خودشکوفایی، عشق و دلبستگی که نیازهایی در سطوح بالاتراند. این افراد کسانی هستند که به انتخاب انسان، اهمیت بسیار زیادی می‌دهند، ولی مادی‌گرایان به دلیل نداشتن احساس امنیت سازنده - ناشی از دوران شکل‌گیری شخصیت‌شان و وضعیت اقتصادی فعلی - بیشتر بر امنیت اقتصادی و جانی تأکید می‌کنند (اینگلهارت و دیگران، 2004: 11). همین امر، منجر به جهت‌گیری‌های بسیار متفاوت مادیون و فرامادیون نسبت به بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود و نگرش آن‌ها را نسبت به بسیاری از هنجارهای سنتی جنسیتی، مانند روابط جنسی نامشروع، فحشا، سقط‌جنین، طلاق و غیره متفاوت می‌کند. به منزله یک تعمیم گسترده می‌توان اظهار داشت، مادیون بسیار بیشتر از فرامادیون از هنجارهای سنتی حمایت می‌کنند (اینگلهارت، 1383: 222)، و کمتر به دنبال تغییرات ارزشی می‌باشند، در حالی که فرامادیون در بسیاری از ابعاد زندگی خود، از ارزش‌های نو و جهانی تبعیت می‌کنند.

بر اساس نظریه اینگلهارت، دو دسته متغیر تاثیرگذار در نظر گرفته خواهد شد: طبقه و پایگاه اجتماعی - اقتصادی (موقعیت ساختاری فرد)، و ارزش‌های فرهنگی متحول مرتبط با نگرش فرد درباره معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج، و میزان گرایش به نوگرایی و ارزش‌های فرهنگی نو.

باز اندیشی

مراد از «بازاندیشی»، فرایند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و تأمل در اطلاعات درباره مسیرهای ممکن زندگی است؛ بازاندیشی به سازوکارهایی در اندیشه و رفتار انسانی گفته می‌شود که «کنش انسانی» را تنظیم و بر آن نظارت می‌کند، که البته مکانیسم مزبور در فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن، متفاوت است. منظور از «بازاندیشی»، فرایند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و تأمل در اطلاعات درباره مسیرهای ممکن زندگی است (گیدنز، 1380: 44)؛

سازه‌گرایان به بازاندیشی توجه خاصی داشته‌اند؛ برگر، به این مفهوم پرداخته و چهار خصلت هویت مدرن را بدین گونه بر می‌شمرد: بازبودن، تفکیک‌شدگی، اندیشنده بودن و فردیت یافتگی. وی در مورد هویت بازاندیشانه معتقد است، جامعه در حال تغییر و تحول، فرد را ناگزیر به بازاندیشی و اتخاذ تصمیم‌های متنوع می‌سازد. بازاندیشی نه تنها معطوف به جهان بیرونی است، بلکه وارد ذهنیت فرد نیز می‌شود و طی فرایندی، جهان و خود فرد به موضوع آگاهی تبدیل می‌شوند. از نظر برگر، زندگی در جوامع امروزی، فرد را با چشم‌اندازی پیوسته در تغییر از تجارب و معانی اجتماعی رودررو قرار می‌دهد، و او را به تصمیم‌گیری‌ها و طرح برنامه‌های متنوع و اندیشیدن وا می‌دارد. بدین ترتیب، آگاهی مدرن به خصوص آگاهی‌های هوشیار، پرتنش و احتجاج‌آمیز است. گفتنی است که جنبه اندیشنده (بازاندیشانه) هویت مدرن، فقط به جهان بیرونی محدود نمی‌شود، بلکه ذهنیت فرد و به‌ویژه موقعیت وجودی او را نیز در برمی‌گیرد (برگر و دیگران، 1381: 86-84).

برگر همچنین به مفهوم جهان زیست اشاره می‌کند که در جوامع پیشین از درجه بالایی از یکپارچگی برخوردار بود. دلیل این یکپارچگی نیز نظامی معنایی بود که تمامی بخش‌های جامعه را در برمی‌گرفت، و این نظم وحدت بخش، در جوامع پیشین، به طور معمول نظامی دینی بود. در جوامع مدرن، موقعیت افراد متفاوت می‌شود و فعالیت‌های افراد، آن‌ها را با جهان‌هایی معنایی و تجربی به‌طور کامل متفاوت و اغلب ناسازگار، مرتبط می‌کند که این چندگانگی جهان زیست، نه فقط در سطح رفتار، بلکه در سطح آگاهی نیز تأثیرات خاص خود را دارد. برگر این چندگانگی را مرتبط با دو تجربه خاص، یعنی شهرنشینی و ارتباط جمعی مدرن می‌داند. این چندگانگی به شیوه‌های مختلف در زندگی روزمره افراد بروز می‌کند و از پیامدهای آن، مسیرهای مختلفی است که فرد باید از آن میان یکی را برگزیند. در واقع، برنامه زندگی فرد در جامعه جدید، به شدت تحت تأثیر این چندگانگی‌ها قرار می‌گیرد. برگر، برنامه زندگی را منبع اولیه هویت‌یابی فردی می‌داند. این برنامه به‌طور معمول خصلتی باز دارد و به شیوه‌های نامعین تعریف می‌شود (همان: 81-70). رویکرد سازه‌گرایانه برگر با مضمون اصلی این پژوهش، یعنی بازاندیشی همخوان

است. اگرچه وی در مورد جهان مدرن صحبت می‌کند، و تصویری که از تحولات سریع و پیامدهای آن ارائه می‌دهد، با بستر در حال تغییری که پاسخگویان این پژوهش در آن تجربه کسب می‌کنند، سازگاری قابل ملاحظه‌ای دارد.

3-5. چارچوب نظری

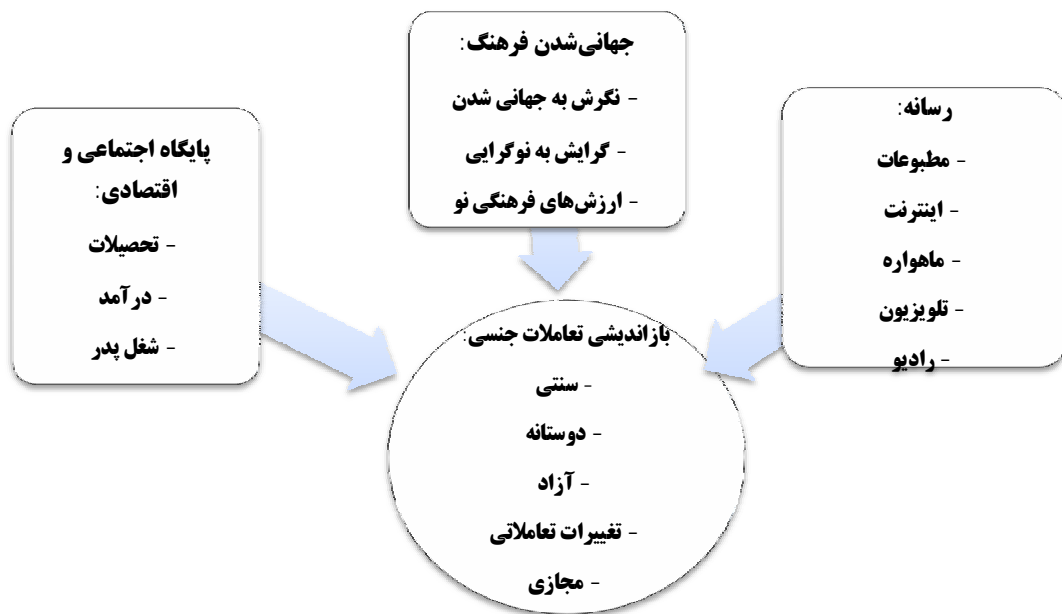
در تحقیق حاضر، در توضیح ارتباط بین جهانی‌شدن فرهنگ و بازاندیشی تعاملات جنسی، بر آرای گیدنز تأکید شده است. نظریه گیدنز درباره جهانی‌شدن، در سطوح کلان مطرح گردیده و می‌تواند شیوه ارتباط دو پدیده، جهانی‌شدن فرهنگ و بازاندیشی تعاملات جنسی را در سطح خرد، رساتر بیان کند. گیدنز معتقد است که ما در جهانی با تحولات بسیار شگرف به سر می‌بریم، و در حال حاضر، سه نوع تحول در دنیای جدید در حال رخ دادن است. وظیفه جامعه‌شناسی این است که تحلیل نماید تحولات مزبور چه تأثیری بر زندگی امروز ما دارند. این تحولات عبارت‌اند از: 1- تأثیر جهانی‌شدن که به معنای وابستگی متقابل و فزاینده است. زندگی ما ارتباط بیش از پیش تنگاتنگی با رویدادهایی دارد که کیلومترها دورتر و حتی در آن سوی جهان رخ می‌دهند. جهانی‌شدن بر همه جا تأثیر می‌گذارد، حتی بر فقیرترین کشورهای جهان که بارزترین جلوه‌های آن را می‌توان در نقش بازارهای مالی دید. جهانی‌شدن، فقط اقتصادی نیست، بلکه بر گسترش فزاینده ارتباطات و نیز بر یکپارچگی افزون‌تر فرهنگی و سیاسی نیز دلالت دارد. گیدنز معتقد است که پس از انقلاب ارتباطات و اتصال تکنولوژی ماهواره‌ای به رایانه‌ها، ما می‌توانیم در یک چشم به هم زدن، در هر زمان و با هر کسی در هر نقطه‌ای از جهان ارتباط برقرار کنیم که این ارتباط آنی، بسیاری از جنبه‌های زندگی ما را تغییر می‌دهد. 2- دومین تأثیر عظیم جهانی‌شدن، عبارت است از تحولات تکنولوژیک؛ تکنولوژی اطلاعات، بسیاری از شیوه‌های کار و زندگی ما را تغییر داده است 3- سومین تأثیر بنیادین جهانی‌شدن، عبارت از این است که ساختار زندگی ما نه با گذشته، بلکه بیشتر با آینده قرین است. در مقایسه با گذشته، عادت‌ها، رسوم و سنت‌ها، نقش کمتری برای ما و به‌ویژه در کشورهای صنعتی ایفا می‌کنند (گیدنز، 1380: 61 و 62).

بازاندیشی در مدرنیته: از نظر گیدنز، سنت و مدرنیته همیشه در تضاد بوده‌اند. پیش از این در فرهنگ‌های سنتی به گذشته بیشتر اشاره می‌شد، و تکریم و احترام افزون‌تری در میان بوده است. بازاندیشی، پیش از این و در دوره سنت، به معنای شناخت کنش در دل زمینه‌ای بود که در آن بروز و ظهور پیدا می‌کرد، اما بازاندیشی در دوره مدرنیته، معنای دیگری یافته، و مبنای بازتولید نظام واقع شده است.

در زندگی اجتماعی مدرن، بازاندیشی دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی، پیوسته بازسنجی می‌شوند و در پرتو اطلاعات تازه درباره خود آن‌ها، اصلاح، و پیوسته دگرگون می‌شوند، و تنها در عصر مدرنیته است که تجدیدنظر در عرف، در همه جنبه‌های زندگی انسان صورت می‌گیرد. ویژگی مدرنیته نه اشتها برای چیزهای نو، بلکه فرض بازاندیشی درباره همه چیز است که البته خود بازاندیشی را نیز دربر می‌گیرد. این بازاندیشی تحت تاثیر چهار عامل قرار می‌گیرد: نخست، "قدرت" است؛ قدرت، محقق دانش را در خدمت منافع گروهی قرار می‌دهد؛ دوم، به نقش "ارزش‌ها" باز می‌گردد؛ ارزش‌ها مبنای

عقلانی ندارند و هر تغییری مبتنی بر بازانديشی، تحت تأثیر ارزش‌ها نیز قرار می‌گیرد؛ سوم، پیامدهای ناخواسته "است؛ بازانديشی جهان مدرن، امکان مسدود شدن پیامدهای ناخواسته را از بین برده و هر زمان احتمال وقوع آن‌ها وجود دارد؛ چهارم، "گردش دانش اجتماعی" است؛ دانشی که به‌گونه‌ای بازانديشانه در شرایط بازتولید نظام به‌کار بسته می‌شود (گیدنز، 1380: 44-45). گیدنز بر این عقیده است که با کاهش نفوذ سنت و بازسازی زندگی روزمره برحسب عوامل جهانی و محلی، افراد ناچارند شیوه‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف برگزینند. در این میان، اگرچه عوامل یکسان‌ساز و استانداردکننده هم وجود دارد، اما به‌دلیل "بازبودن" زندگی اجتماعی امروزی و همچنین تکثربایی زمینه‌های عمل و تنوع "مراجع"، انتخاب شیوه زندگی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد (گیدنز، 1378: 20-21). به اعتقاد وی، در جوامع معاصر که تکثرگرا، متنوع و درحال تغییرند و همه چیز مورد مذاقه قرار می‌گیرد، "خود" نیز به پروژه‌ای بازانديشانه تبدیل می‌شود. گیدنز به خود خودسازنده، اولویت زیادی می‌دهد؛ پروژه‌ای که از آن طریق، "خود" در سطح فرد، بازانديشانه و تغییردهنده می‌شود (گیدنز، 1378). گیدنز بازانديشی در مورد "خود" را فرایندی مداوم و فراگیر می‌داند که طی آن، فرد در فواصل زمانی منظم، برحسب اتفاقاتی که افتاده، به‌نوعی بازپرسی از خود می‌پردازد (همان: 113). وی معتقد است که ساخت خود، طرح بازانديشانه‌ای است که بخش اساسی مدرنیته را می‌سازد. در این‌جا فرد از میان گزینه‌هایی که نظام انتزاعی فراهم می‌کند، باید هویت خود را پیدا کند (گیدنز، 1377: 148). فرد به کمک تکنیک‌های گوناگون، فرصت‌های متنوعی برای توسعه شخصیت خود فراهم می‌نماید. تجربیات تازه و متنوع، زمینه را برای تنوع روش‌های عمل مهیا می‌سازد. چنین شرایطی، زمینه را برای بریدن از الگوهای رفتاری جاافتاده آماده می‌کند که این امر ممکن است خطراتی هم در پی داشته باشد (همان: 115). مفهوم‌سازی گیدنز از بازانديشی از تعاریف دیگر کامل‌تر است. وی بازانديشی را ویژگی معرف هرگونه کنش انسانی می‌داند و معتقد است همه انسان‌ها با زمینه کنش خود در تماس هستند، و کنش انسانی نه مجموعه‌ای از تعامل‌ها، بلکه جریان مداومی است.

تعریف موردنظر از بازانديشی در این پژوهش، نزدیک به تعریف برگر است. در واقع منظور از بازانديشی، ترکیب اندیشه و کنش است، به نحوی که ضمانت سنت و عرف را در پی نداشته باشد؛ یعنی بازانديشی از نوع دوره مدرن با شرایطی که تردید و تجدید نظر پایدار در زندگی اجتماعی حاصل شود و عملکردهای اجتماعی دائماً در معرض بازسنجی قرار بگیرند. این شرایط عبارت‌اند از منابع و بسترهای تازه از قبیل رسانه‌های جهانی، فضاهاى مجازى و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، و دانش‌های جدید. این منابع و بسترها باعث تکثر مراجع و زمینه‌های عمل می‌شود و در نتیجه، بازانديشی را در پی دارد؛ بنابراین با توجه به دیدگاه نظری گیدنز، این پژوهش در پی آن است تا تأثیری که جهانی‌شدن فرهنگ و منابع و بسترهای آن به‌عنوان بخشی از تحولات دنیای جدید بر بازانديشی در تعاملات جنسی دارد به‌عنوان یکی از عملکردها و ارتباطات اجتماعی، مورد بررسی قرار دهد.



نمودار شماره 1- مدل نظری تحقیق

6- فرضیات پژوهش

با توجه به ابعاد و وجوه دیدگاه‌های صاحبان اندیشه‌ای که وجوه اشتراک نظریات‌شان برشمرده شده، و نیز نتایج استنباط شده از دیدگاه‌های آن‌ها، فرضیه‌های تحقیق به قرار ذیل است:

1-6. فرضیه اصلی: میان جهانی‌شدن فرهنگ و بازاندیشی در تعاملات جنسی جوانان، رابطه وجود

دارد.

2-6. فرضیات فرعی: بین یکایک موارد ذیل و بازاندیشی در تعاملات جنسی جوانان رابطه وجود دارد:

ارزش‌های فرهنگی نو، گرایش به نوگرایی، میزان کاربری فناوری‌های نوین جهانی و موقعیت ساختاری فرد.

7- روش‌شناسی

مطالعه حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی، به لحاظ معیار زمان، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و از نظر وسعت، پهنانگر است. جامعه آماری تحقیق، جوانان 18-29 ساله ساکن شهر یزد بوده و حجم نمونه مورد بررسی 384 نفر برآورد شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای، و ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسش‌نامه است. پرسش‌نامه به صورت پیش‌آزمون بین 30 نفر از جوانان 18-29 سال شهر یزد به صورت اتفاقی توزیع شد و پس از احراز اعتبار و روایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، در مرحله نهایی مورد استفاده واقع گردید و اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار (spss) مورد تحلیل قرار گرفت.

برای تدوین پرسش‌نامه، از گویه‌های محقق ساخته و برخی گویه‌های تحقیقی که در این زمینه برای سنجش بازانديشی تعاملات جنسی و جهانی‌شدن فرهنگ انجام شده بود، استفاده شد که با اجرای پیش‌آزمون، مورد تأیید قرار گرفتند.

در ادامه برای شناسایی عامل‌های اصلی متغیر بازانديشی تعاملات جنسی جوانان، از روش عامل اکتشافی با روش عناصر اصلی استفاده گردید، و در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش کایزر (KMO) به منظور تعیین مناسب بودن داده‌ها، و از آزمون کرویت بارتلت برای تعیین کفایت نمونه پژوهش، استفاده شده است. مقدار KMO همواره بین 0 و 1 در نوسان است که مقدار کمتر از 0/5 نامناسب و مقدار بالای 0/7 مطلوب است. در مورد آزمون بارتلت نیز باید گفت که اگر آزمون بارتلت معنادار نباشد، نشانه آن است که به‌طور عملی بین متغیرها هیچ‌گونه همبستگی وجود ندارد. در پژوهش حاضر، با توجه به این که سطح معناداری 0/000 و کمتر از 0/05 است، کفایت نمونه تأیید شده و همین‌طور با توجه به میزان KMO که معادل 0/894 می‌باشد، داده‌ها مناسب ارزیابی می‌شود.

جهانی‌شدن فرهنگ و سه بعد متفاوت آن شامل نگرش به جهانی‌شدن، ارزش‌های فرهنگی نو و گرایش به نوگرایی، توسط گویه‌های محقق ساخته، در مجموع به تعداد 54 گویه مورد سنجش قرار گرفت. به منظور سنجش بازانديشی تعاملات جنسی پس از بررسی پیشینه تجربی و نظری مرتبط با موضوع، 26 گویه برای اندازه‌گیری این مقوله طراحی و تدوین شد، سپس همان‌طور که گفته شد، با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی، 5 بعد اصلی تشکیل دهنده بازانديشی تعاملات جنسی، شامل تعاملات جنسی سنتی، تعاملات جنسی آزادانه، تعاملات جنسی دوستانه، تغییرات تعاملاتی و تعاملات جنسی مجازی شناسایی شد.

پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نیز مورد استفاده قرار گرفت که مقوله‌های سن، سطح تحصیلات، میزان درآمد خانواده و شغل پدر و مادر را بررسی می‌کند. برای سنجش اعتبار ابزار پژوهش از اعتبار محتوایی استفاده گردید، که بدین‌منظور، پرسش‌نامه بعد از تدوین در اختیار برخی از مدرسین دانشگاه یزد قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نقطه‌نظرهایشان، اصلاحات لازم انجام شد و روایی گویه‌ها نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به‌دست آمد. در جدول زیر، میزان پایایی هر یک از مقیاس‌های تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ نشان داده شده است:

شاخص	ضرب پایایی (آلفای کرونباخ)
جهانی شدن فرهنگ	0/8433
تعاملات جنسی	0/8261
ابعاد جهانی شدن فرهنگ	نگرش به جهانی شدن
	0/6591
	ارزش‌های فرهنگی نو
0/8520	
0/7344	گرایش به نوگرایی

جدول 1- ضرب پایایی متغیرهای اصلی پژوهش

8- تعریف عملیاتی متغیرها

متغیر وابسته پژوهش که بازاندیشی در تعاملات جنسی است، دارای 26 گویه است که با استفاده از طیف لیکرت، مورد سنجش قرار گرفت و با استفاده از تحلیل عاملی، این 26 گویه در قالب 5 بعد خلاصه شد و توسط مفاهیم تعاملات جنسی سنتی، تعاملات جنسی دوستانه، تعاملات جنسی دوستانه، تعاملات جنسی آزاد، تغییرات تعاملاتی و تعاملات جنسی مجازی، تحت پوشش قرار گرفت.

متغیرهای مستقل در پژوهش حاضر در سه حوزه ارزشی، شناختی و عینی است؛ در حوزه عینی، متغیرهای زیر سنجیده شد:

کاربری فناوری‌های نوین جهانی: در این متغیر، میزان به‌کارگیری ابزار الکترونیکی اینترنت، ماهواره، مجلات و روزنامه و تلویزیون بر اساس طیف لیکرت سنجیده شد.

موقعیت ساختاری فرد: این متغیر از آمیزش تحصیلات فرد، درآمد ماهیانه خانواده و شغل پدر از طریق ایجاد سازه و در سطح فاصله‌ای، مورد سنجش قرار گرفت.

در حوزه ارزشی، ارزش‌های فرهنگی نو با مؤلفه‌های گرایش به دموکراسی (با شاخص‌های برابری، حق رأی و وجود احزاب سیاسی)، نفع‌گرایی (حساب‌گری، کنش عقلانی معطوف به هدف)، عرفی شدن (کاهش تعصبات مذهبی، جدایی دین از سیاست، لزوم تكثرگرایی در دین)، فردگرایی (استقلال‌طلبی، اکتسابی‌بودن موفقیت، تأکید بر اصالت فرد) و مصرف‌گرایی (مدگرایی، رفاه طلبی، استفاده از تکنولوژی مدرن)، به‌طور کلی با 26 گویه بر اساس طیف لیکرت سنجیده شد.

گرایش به نوگرایی: برای سنجش این متغیر، یعنی میزان تمایل افراد به نو بودن، گرایش آنان در استفاده از کالاهای نو و مادی و اندیشه‌های جدید با مؤلفه‌های لباس، ماشین، موسیقی خارجی، هنر، لوازم

منزل، ورزش‌های جدید، افکار جهانی، جراحی‌های زیبایی، ازدواج و مهمانی بررسی شد، و برای هر مؤلفه، یک گویه مبتنی بر طیف لیکرت طرح شد. در حوزه شناختی، نگرش جوانان به جهانی شدن با 11 گویه و با طیف لیکرت سنجیده شد، و با این متغیر، نگرش جوانان از فرایند جهانی شدن در جامعه جهانی محاسبه گردید.

9- یافته‌های پژوهش

9-1. ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان

اطلاعات توصیفی مربوط به آزمودنی‌های پژوهش: از 384 پاسخ‌گوی این تحقیق، 264 نفر دختر و 120 نفر پسر بوده‌اند. جوان‌ترین پاسخ‌گوی تحقیق 18 سال و مسن‌ترین آن‌ها 29 سال سن داشته‌اند. بیشترین درصد (13/5) از نمونه مورد بررسی این پژوهش را گروه سنی 25، و کمترین درصد (2/1) را گروه سنی 18 سال تشکیل می‌دهند. تحصیلات جوانان مورد بررسی عبارت است از: 3/9 درصد دیپلم، 8/1 درصد فوق دیپلم، 45/3 درصد لیسانس، 40/9 درصد فوق لیسانس و 1/8 درصد دکترا؛ اکثریت نمونه این بررسی را جوانان دانشجو (بیکار) تشکیل داده‌اند.

9-2. توصیف متغیرها

جدول 2- آماره‌های توصیفی

متغیرهای تحقیق	میانگین	انحراف معیار	طیف داده‌ها	چولگی	کشیدگی
جهانی شدن فرهنگ	182.0205	19.82830	112	.049	-.096
بازاندیشی تعاملات جنسی	71.28	14.923	88	.252	.272
فناوری نوین جهانی	11.9367	3.72624	23	.190	-.018
موقعیت ساختاری	50.8883	11.39982	68	-.632	.288

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد، میانگین جهانی شدن فرهنگ در جامعه مورد بررسی، 182 است که این میانگین در ابعاد مختلف جهانی شدن به‌طور متفاوت توزیع شده است. بدین‌صورت که نگرش به جهانی شدن 40/9134، گرایش به نوگرایی 51/4121 و ارزش‌های فرهنگی نو 89/6620 است، و این نشان می‌دهد که میانگین ارزش‌های فرهنگی نو در میان نمونه مورد بررسی این پژوهش، از دو بعد دیگر جهانی شدن فرهنگ، بیش‌تر است، و نگرش به جهانی شدن از میانگین کمتری برخوردار است.

براساس یافته‌های به‌دست آمده، میانگین بازاندیشی تعاملات جنسی در نمونه مورد بررسی 71 است. از آن‌جا که میزان تعاملات جنسی در بین دختران و پسران متفاوت است، باید گفت که این میزان در میان دختران، 69/20 و در میان پسران 75/74 درصد است. این داده‌ها نشان می‌دهد که پسران در این پژوهش از بازاندیشی بیشتری در ارتباطات و تعاملات جنسی از خود نشان می‌دهند.

میانگین بازاندیشی تعاملات جنسی در میان جوانان با توجه به موقعیت ساختاری آن‌ها نیز متفاوت است. بدین صورت که در جوانان با موقعیت ساختاری پایین 67.21، در جوانان با موقعیت ساختاری متوسط 71/71 و در جوانان با موقعیت ساختاری بالا 73/29 است؛ بنابراین دیده می‌شود که میزان بازاندیشی در تعاملات جنسی در جوانان با موقعیت ساختاری بالا بیش از جوانان با موقعیت ساختاری پایین و متوسط است، و این موضوع تأیید کننده نظریه اینگلهارت می‌باشد. در واقع می‌توان گفت، از آنجا که جوانان با موقعیت ساختاری بالا به لحاظ درآمدی و جایگاه اجتماعی، شرایط و امکانات بیشتری دارند تا بتوانند در معرض ابزار گوناگون جهانی شدن و تغییرات ناشی از آن قرار گیرند، و نیز از نظر جانی و مالی نیز از امنیت بیشتری برخوردارند، در نتیجه، میزان بازاندیشی بیشتری از خود نشان می‌دهند.

در میان نمونه مورد بررسی این پژوهش، میانگین استفاده از فناوری‌های نوین جهانی بدین قرار است: اینترنت 3/64، تلویزیون 2/91، ماهواره 2/23، مطبوعات 2/01 و رادیو 1/16؛ بنابراین در رابطه با میزان استفاده از فناوری‌های نوین جهانی باید گفت که از میان رسانه‌های ارتباط جمعی مورد نظر، میزان استفاده از اینترنت با میانگین 3/64 بیشتر از دیگران است، و همین‌طور استفاده از رادیو با میانگین 1/16 از کمترین میزان کاربری در میان فناوری نوین برخوردار است.

بازاندیشی در تعاملات		مجازی		تغییرات تعاملاتی		آزاد		دوستانه		ستی		متغیر وابسته
sig	r	sig	r	sig		sig	r	Sig	r	Sig	r	متغیر مستقل
0.000	0.420	0.148	0.074	0.000	0.475	0.000	0.329	0.000	0.403	0.000	0.186	نگرش به جهانی شدن
0.000	0.344	0.064	0.097	0.000	0.385	0.000	0.344	0.000	0.327	0.459	0.039	گرایش به نوگرایی
0.000	0.512	0.050	0.104	0.000	0.533	0.000	0.402	0.000	0.495	0.000	0.277	ارزش‌های فرهنگی نو
0.000	0.530	0.040	0.111	0.000	0.590	0.000	0.450	0.000	0.505	0.000	0.214	جهانی شدن فرهنگ

جدول 3- همبستگی بین ابعاد جهانی شدن فرهنگ و ابعاد بازاندیشی در تعاملات جنسی

به منظور آزمون فرضیات، با توجه به سطح سنجش متغیرها که همه فاصله‌ای بودند، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد، نتایج تحقیق، تأیید کننده فرضیه اصلی این پژوهش است و نشان می‌دهد که بین جهانی شدن فرهنگ و بازاندیشی در تعاملات جنسی جوانان، رابطه مثبت و معناداری (در سطح 0/000) وجود دارد. بدین نسبت که هرچه میزان جهانی شدن فرهنگ در بین جوانان افزایش یابد، بازاندیشی در تعاملات جنسی نیز در میان آنان بیشتر می‌شود. بررسی‌ها نشان داد که شاخص گرایش به نوگرایی نیز با بازاندیشی در تعاملات جنسی جوانان دارای ارتباط مستقیم و معناداری (در سطح 0/000) است؛ به عبارت دیگر، هرچه گرایش به نوگرایی در بین

جوانان افزایش یابد، آن‌ها بازاندیشی بیشتری را در تعاملات جنسی خود تجربه می‌کنند؛ همچنین بین ارزش‌های فرهنگی نو و بازاندیشی در تعاملات جنسی جوانان نیز رابطه مثبت و معناداری (0/000) وجود دارد؛ بنابراین هرچه ارزش‌های فرهنگی نو در بین افراد بالاتر می‌رود، بازاندیشی بیشتری در تعاملات جنسی آن‌ها صورت می‌گیرد.

بازاندیشی در تعاملات جنسی		مجازی		تغییرات تعاملاتی		آزاد		دوستانه		ستی		متغیر وابسته
sig	r	sig	r	sig	R	sig	r	Sig	r	Sig	r	متغیر مستقل
0.001	0.165	0.48	0.101	0.20	0.119	0.34	0.109	0.000	0.227	0.340	0.49	تحصیلات
0.979	0.001	0.830	0.011	0.436	-0.042	0.657	-0.024	0.747	0.017	0.54	0.102	درآمد خانواده
0.707	-0.020	0.519	0.033	0.264	0.058	0.586	-0.028	0.548	-0.031	0.037	-0.107	شغل پدر
0.01	0.135	0.018	0.127	0.523	0.035	0.214	0.067	0.014	0.132	0.002	0.168	موقعیت ساختاری فرد

جدول 4- همبستگی بین بازاندیشی در تعاملات جنسی و موقعیت ساختاری فرد

یافته‌های پژوهش حاضر، از فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین موقعیت ساختاری فرد و بازاندیشی در تعاملات جنسی جوانان شهر یزد حمایت می‌نماید. با توجه به سطح معناداری (0/01) هر چه موقعیت ساختاری افراد بالاتر باشد، میزان بازاندیشی در تعاملات جنسی آنان نیز افزایش می‌یابد. چنان‌که انتظار می‌رفت، بین متغیر نگرش به جهانی‌شدن و بازاندیشی در تعاملات جنسی نیز رابطه مثبت و معناداری (در سطح 0/000) وجود دارد. به عبارت روشن‌تر، هرچه نگرش به جهانی‌شدن در جوانان یک جامعه مثبت‌تر باشد، بازاندیشی در تعاملات جنسی آنان افزایش می‌یابد.

بازاندیشی در تعاملات		مجازی		تغییرات تعاملاتی		آزاد		دوستانه		سنی		متغیر وابسته
sig	r	sig	r	sig	R	Sig	R	sig	r	Sig	r	متغیر مستقل
0.609	.027	0.154	0.073	0.744	-.017	0.690	0.021	0.745	-.071	0.507	0.034	مطبوعات
0.001	.179	0.150	0.074	0.006	0.140	0.013	0.127	0.000	0.179	0.084	.088	اینترنت
0.000	.286	0.577	0.029	0.000	0.275	0.000	0.200	0.000	0.201	0.000	.293	ماهواره
0.000	-.183	0.977	-.001	0.007	-.139	0.001	-.168	0.000	-.195	0.008	-.136	تلویزیون
0.265	-.058	0.419	0.041	0.368	-.046	0.473	-.037	0.114	-.081	0.066	-.094	رادیو
0.026	.116	.141	.076	.047	.103	.173	.071	.287	.055	.069	.094	فناوری‌های نوین جهانی

جدول 5- همبستگی بین بازاندیشی در تعاملات جنسی و فناوری‌های نوین جهانی

همبستگی مثبت و معناداری (در سطح 0/026) بین میزان استفاده از فناوری‌های نوین جهانی و بازاندیشی در تعاملات جنسی، وجود دارد که از تحلیل داده‌ها به دست آمده است؛ به عبارت دیگر، هر چه میزان استفاده از فناوری‌های نوین جهانی از جانب پاسخ‌گویان بالاتر می‌رود، میزان بازاندیشی آنان در تعاملات جنسی نیز افزایش می‌یابد. جدول بالا، همبستگی بین بازاندیشی در تعاملات جنسی و فناوری‌های نوین جهانی به تفکیک مطبوعات، اینترنت، ماهواره، تلویزیون و رادیو را تعیین می‌کند، و نشان می‌دهد بین وسایل ارتباط جمعی، ماهواره و اینترنت، ارتباطی مثبت و معنادار با بازاندیشی در تعاملات جنسی وجود دارد، و در مقابل، بین تلویزیون و بازاندیشی در تعاملات جنسی، رابطه معنادار و منفی وجود دارد؛ اما بین مطبوعات و رادیو با بازاندیشی در تعاملات جنسی، هیچ‌گونه ارتباط معناداری یافت نشد.

3-9. رگرسیون چندگانه برای سنجش اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

به منظور تبیین بازاندیشی تعاملات جنسی بر اساس متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش، از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شده است. در مجموع از 6 متغیر وارد شده به معادله رگرسیون شامل نگرش به جهانی‌شدن، گرایش به نوگرایی و ارزش‌های فرهنگی نو، جهانی‌شدن فرهنگ، موقعیت ساختاری فرد و فناوری‌های نوین جهانی، دو مدل به دست آمد و از میان آن‌ها، مدلی که در آن فقط متغیر جهانی‌شدن فرهنگ که خود سازه‌ای از نگرش به جهانی‌شدن، گرایش به نوگرایی و ارزش‌های

فرهنگی نو است، باقی ماند که از نظر ضریب تبیین، معقول تر به نظر می‌رسد، و این متغیر مستقل، به تنهایی 25/6 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند که در جدول زیر ارائه شده است.

Sig	t	ضرایب خام			متغیر
		ضرایب استاندارد	Std. Error	B	
.891	.138	Beta	7.025	.967	مقدار ثابت
0/000	10.171	.506	.038	.388	جهانی شدن فرهنگ
F=103.446			R ² = 0/256		

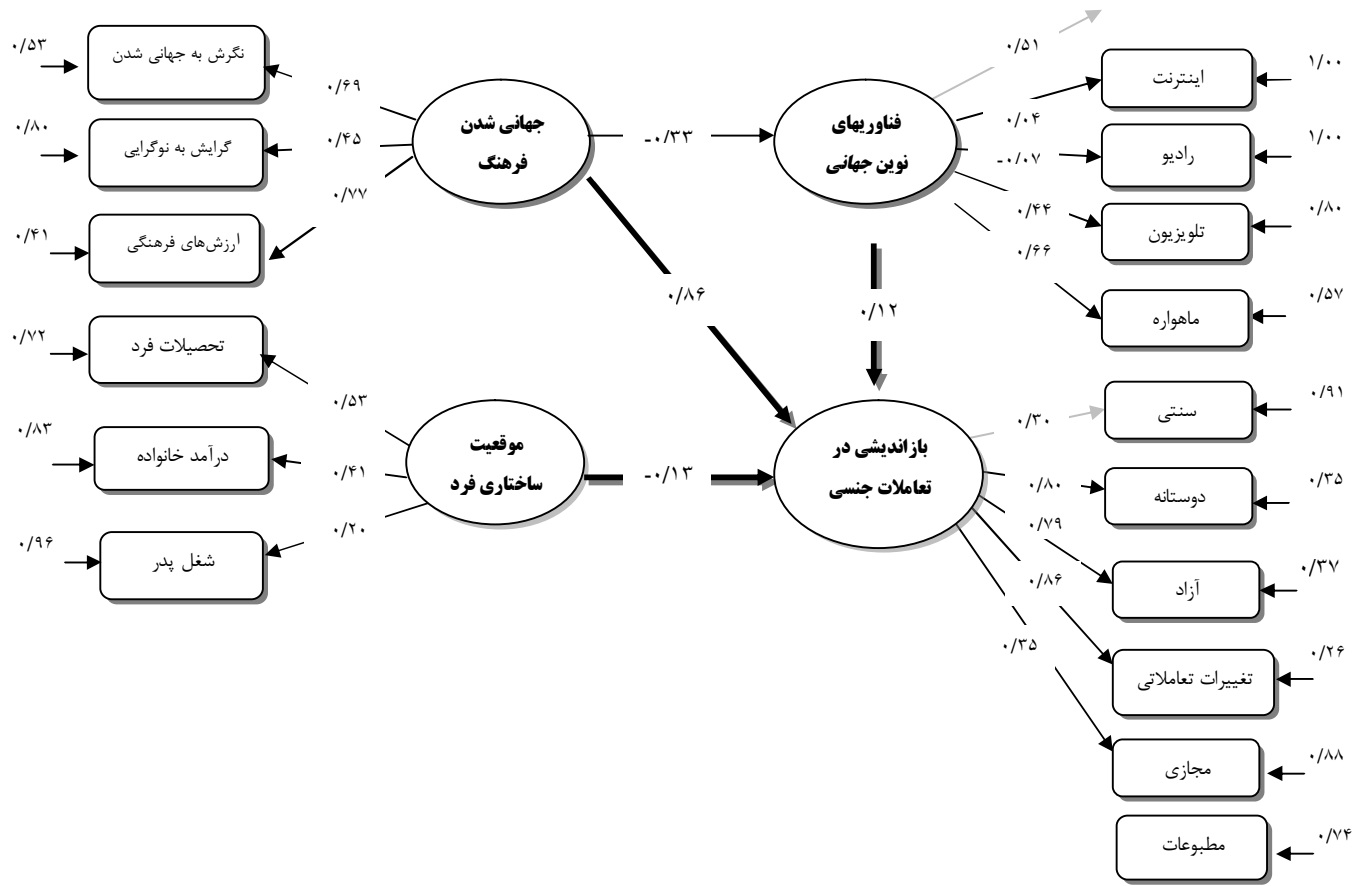
جدول 6- معادله رگرسیون گام به گام تبیین متغیر وابسته بازنمایشی تعاملات جنسی

9-3. الگوسازی معادلات ساختاری¹

الگوسازی معادلات ساختاری به محقق کمک می‌کند تا به تحلیل علی متغیرهای مکنون و متغیرهای مشاهده شده، به طور هم‌زمان بپردازد. نتایج تحلیل معادلات ساختاری در نمودار زیر منعکس شده، و شاخص‌های برازش آن نشان می‌دهد که مدل از برازش خوبی برخوردار است. به منظور بررسی برازش مدل پیشنهادی، چند شاخص مورد توجه قرار گرفت. یکی از این شاخص‌ها، مربع‌کای 2 است. مربع‌کای اگر معنادار باشد، بدین معنی است که مدل برای داده‌های جامعه، قابل قبول نیست، ولی مربع‌کای تحت تأثیر حجم نمونه قرار می‌گیرد؛ بنابراین از شاخص مربع‌کای نسبی (که از تقسیم مربع‌کای بر درجه آزادی به دست می‌آید) استفاده شده است. شاخص مربع‌کای نسبی برابر 4/5 شده که مطلوب به حساب می‌آید. یکی دیگر از شاخص‌ها، نیکویی برازش (GFI) است. دامنه تغییرات شاخص مذکور بین صفر و یک است، که هر چه مقدار محاسبه شده به یک نزدیک‌تر باشد، بیانگر برازش بهتر مدل است. در مدل حاضر GFI معادل 0/87 به دست آمده است.

بنابراین می‌توان گفت که مدل دارای برازش خوبی است. شاخص دیگر، مقیاس نیکویی برازش تعدیل شده است. که تا حدی نسبت به حجم نمونه و درجات آزادی مدل، معیار GFI را تعدیل می‌کند. مقدار AGFI بین صفر و یک است و مقادیر نزدیک به یک، نشان دهنده نیکویی برازش مدل است. در تحقیق حاضر، میزان AGFI معادل 0/82 شده است که این شاخص نیز برازش مدل را تأیید می‌کند.

1 - Structural Equation Modeling (SEM)
2 - Chi-square



Chi-square = 453/83 df = 99 P-Value = 0/00000 RMSEA = 0/097

نمودار شماره 2- مدل معادله ساختاری، تأثیرمتغیرهای مختلف بر بازاندیشی تعاملات جنسی

10- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی تجربی رابطه میان ابعاد مختلف جهانی‌شدن فرهنگ و بازاندیشی تعاملات جنسی پرداخته است. مفهوم بازاندیشی در عصر حاضر، به یکی از موضوع‌های اساسی جامعه بشری تبدیل شده، و این موضوع در میان جوانان برجسته‌تر است؛ زیرا آنان بیش از دیگران در گستره روابط فرهنگی با جوامع دیگر و تحولات واقع شده‌اند. برای مطالعه رابطه بین دو متغیر جهانی‌شدن فرهنگ و بازاندیشی تعاملات جنسی، نمونه‌ای 384 نفره از جوانان ساکن در شهر یزد انتخاب شدند و از آراء اینگلهارت، برگر و گیدنز برای تبیین این رابطه استفاده شد. می‌توان گفت، یک دست‌آورد اصلی پژوهش حاضر را باید در جدید بودن موضوع و سهم مشخص و نوآورانه آن در اندازه‌گیری مفهوم پیچیده بازاندیشی

تعاملات جنسی به شیوه‌ای دانست که تاکنون به آن پرداخته نشده است. تغییرات نگرشی و ارزشی در ارتباط با معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج، یکی از نشانه‌ها و مؤلفه‌های تغییرات گسترده فرهنگی است که در جامعه در حال گذار ایران در حال شکل‌گیری است. با توجه به دیدگاه اینگلهارت، به نظر می‌رسد عنصر اصلی و اساسی در شکل‌گیری و باز تولید ارزش‌های جدید در زمینه روابط و معاشرت میان دختران و پسران قبل از ازدواج، افزایش امکان انتخاب انسانی و خواست روزافزون جوانان برای این امر است.

تغییرات نگرشی و ارزشی به شکل تدریجی و آرام اتفاق می‌افتد و نتیجه تجربه‌های متفاوت نسل‌های جدید جامعه در رویارویی با محیط و تلاش برای تطابق با آن است (موحد، عنایت و عباسی، 1385).

در همین خصوص، داده‌های تحقیق حاضر رابطه بین متغیر بازانديشی تعاملات جنسی جوانان را با متغیر مستقل جهانی‌شدن و ابعاد آن یعنی گرایش به جهانی‌شدن، ارزش‌های فرهنگی نو و نگرش به جهانی‌شدن را تأیید می‌کند. نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش خواجه نوری و دل‌آور (1391)، رجب‌لو و اصغری (1389) هم‌خوانی دارد و در ضمن، همسو با ابعاد نظری گیدنز، اینگلهارت و سایر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی است. آنچه گیدنز و برگر در بحث بازانديشی به آن اشاره می‌کنند، فضاهای جدید و مدرنی است که انسان عصر جدید با قرارگرفتن در آن، اقدام به تأمل و بازانديشی می‌کند. بر این اساس می‌توان پیش‌بینی کرد که هرچه افراد بیشتر در معرض حاملان مدرنیته و منابع بازانديشی قرار گیرند، بیشتر به بازانديشی می‌پردازند؛ بنابراین می‌توان گفت، همراه با فرایند جهانی‌شدن، زندگی اجتماعی افراد در معرض بازانديشی پیوسته قرار می‌گیرد.

رابطه بین میزان استفاده از فناوری‌های نوین جهانی و بازانديشی در تعاملات جنسی نیز معنادار بوده است، و به عبارت دیگر، هر چه میزان استفاده از فناوری‌های نوین جهانی از جانب پاسخ‌گویان بالاتر می‌رود، میزان بازانديشی آنان در تعاملات جنسی نیز افزایش می‌یابد. به باور بیشتر صاحب‌نظران جهانی‌شدن، از جمله هال (1996)، متیوز (2002)، آپادورای (1998)، مورلی و رابینز (1996)، گیدنز (1991)، رابرتسون (2002) و واترز (1996) هرچه افراد، بالاخص جوانان، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی را بیشتر به کار گیرند، تأملات و افکار و باورهای آنان بیشتر به سوی دگرگونی و بازانديشی پیش می‌رود. بنابراین؛ نتیجه تحقیق حاضر با نظریه‌های صاحب‌نظران مذکور هم‌خوانی دارد. این یافته با نتایج تحقیق خواجه نوری (1391)، رجب‌لو و اصغری (1389) نیز همسو است. به‌طور کلی در فرایند جهانی‌شدن، برخی از الگوهای رفتاری از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نوین از فرهنگی به فرهنگ‌های دیگر گسترش یافته و این امر موجب شکل‌گرفتن سبک‌های جدیدی از زندگی شده است. حاصل این فرایند، به‌وجود آمدن هویت‌های جدید در میان جوانان و بازانديشی آنان در ایده‌ها و افکار رایج است که گاهی با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه و نظام دینی حاکم بر جامعه هم‌خوانی ندارد.

در نهایت، یافته‌ها، رابطه بین موقعیت ساختاری فرد و بازاندیشی در تعاملات جنسی جوانان شهر یزد را تأیید می‌کنند؛ یعنی هر چه موقعیت ساختاری افراد بالاتر باشد، میزان بازاندیشی در تعاملات جنسی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. یافته اخیر، همسو با نظریه اینگلهارت و گیدنز است. با توجه به دیدگاه گیدنز، ثروت و امکانات اقتصادی از جمله عواملی است که امکان انتخاب از گزینه‌های متنوع بازار فرهنگی را برای برخی گروه‌ها افزایش می‌بخشد؛ بنابراین تحول ارزش، ایده‌ها و رفتار در آن‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. نتایج تحلیل چند متغیره نشان می‌دهد که از مجموع 6 متغیر وارد شده به معادله رگرسیون که شامل نگرش به جهانی‌شدن، گرایش به نوگرایی و ارزش‌های فرهنگی نو، جهانی‌شدن فرهنگ، موقعیت ساختاری فرد، فناوری‌های نوین جهانی، جهانی‌شدن فرهنگ که خود سازه‌ای از نگرش به جهانی‌شدن و گرایش به نوگرایی و ارزش‌های فرهنگی نو است، باقی مانده و این متغیر مستقل به تنهایی 25/6 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

می‌توان گفت، جهانی‌شدن فرهنگ به دلیل ماهیت خود و با توجه به ساخت جمعیتی جوان ایران، می‌تواند نقش بسیار مهمی در تغییر نگرش و بازاندیشی تعاملات جنسی ایفا کند. ابعاد مختلف جهانی‌شدن به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر تغییر نگرش جوانان تأثیر می‌گذارد. در یک جمع‌بندی باید گفت که در مقایسه با دهه‌های گذشته با یک دگرگونی فرهنگی در زمینه تعاملات جنسی جوانان مواجه هستیم. در واقع، بازاندیشی در تعاملات دوستی میان دختران و پسران، به‌لحاظ نظری، بخشی از فرایند نوگرایی است که به‌نوعی دگرگونی شکل و گاهی گسست از سنت‌های ریشه‌دار ملی و دینی به‌شمار می‌آید و موضوعی است که ضرورت پرداختن عالمانه در چارچوب سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر پژوهش‌های علمی، کاربردی و روزآمد را بیش از پیش طلب می‌کند.

منابع فارسی

- ادیبی، مهدی؛ یزدخواستی، بهجت و فرهمند، مهناز، **جهانی‌شدن فرهنگ با تأکید بر هویت اجتماعی جوانان شهر اصفهان**، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، 1387، شماره 3: 100-188.
- اینگلهارت، رونالد، **تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی**، مریم وتر، تهران، انتشارات کویر، 1383.
- برگر، پیتر، ال. بریجیت برگر و هاستفرید کلنر، **ذهن بیخانمان، نوسازی و آگاهی**، محمد ساوجی، تهران، نی. 1381.
- تاملینسون، جان، **جهانی‌شدن و فرهنگ**، محسن حکیمی، تهران، نشر دفتر، 1381.
- حجازی، الهه؛ فرتاش، سهیل، **تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)**، دوره 4، شماره 3: 61-76. 1385.

خواجه نوری، بیژن؛ دل آور، مریم السادات، عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تأکید بر فرایند جهانی شدن، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره پیاپی (46)، شماره دوم: 41-64.1391.

رجبلو، علی؛ اصغری، سارا. جهانی شدن و بازاندیشی الگوهای دوستی دختران و پسران: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران، مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، سال 8، شماره 2: 1389. 73-92.

قاسمی، وحید، سنخ شناسی دانشجویان بر مبنای پدیده رابطه دوستانه دختر و پسر: مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی اصفهان، مطالعات جوان، شماره 7: 90-1383.113.

قربانی شیخ نشین، ارسلان، نظام جهانی، جهانی شدن فرهنگ، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره 189 و 190: 177-172.1382.

گل محمدی، احمد. جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران، نشر نی، 1383.

گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخیص، ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، 1378.

گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیت، محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران، مرکز، 1380.

گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیت، محسن ثلاثی، تهران، مرکز، 1377.

گیدنز، آنتونی، فراسوی چپ و راست، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، 1382.

موحد، مجید؛ عباسی شوازی، محمدتقی، بررسی رابطه جامعه پذیری نگرش دختران به ارزش های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج، مجله مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء، سال 4، شماره 1: 1-34.1385.

موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه و عباسی شوازی، محمدتقی، بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج، مجله علوم اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست چهارم، شماره دوم: 146-165.1385.

Bridge, Adam "Real friends: how the internet can foster friendship", *Ethics and Information Technology*, Vol. 10: 2008. 71-79.

Cornwell, B, Lundgren, D.C. (2007), "Love on the Internet: involvement and misrepresentation in romantic relationships in cyberspace vs. real space". *Computers in Human Behavior*, Vol.17: 2007, 197-211.

Franko Aas, Katja. *Globalization and Crime*, London: SAGE Publications Ltd. 2007.

Inglehart, R. "Globalization and Postmodern Values", *the Washington Quarterly*, 23 (1), 2000, 215-222.

5. Inglehart, R. and Wayne, E. B. "Modernization's Challenge to Traditional Values :Who's Afraid of Ronald McDonald?" *The Futurist*, 35(2), 2001, 16-21.

Inglehart, R., et al. "**Human Beliefs and Values**", Buenos Aires, Argentina: Siglo Veintiuno Editores. 2004. 2004

Jones, Andrew .**Dictionary of Globalization (Definition of Globalization)**, Cambridge: Polity Press. 2006.

M. Ripsman, Norrin and T. V. Paul, **Globalization and the National Security State**, Oxford, Oxford University Press. 2010.

Owen, Tim, **Culture of Crime Control**, *Quoted in Internet Journal of Criminology* 2007.

Rostosky, S. S., et al. "**The Impact of Religiosity on Adolescent Sexual Behavior: A Review of the Evidence**", *Journal of Adolescent Research*, 2004, 19(6), 677-697.

Whitty, M.T. "**Liberating or debilitating? An examination of romantic relationships, sexual relationships and friendships on the Net**", *computers in Human Behavior*, Vol. 2008. 24: 1837-1850.